

آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران و کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه

محمد مجید کابری *

اعظم انصاری **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۴

DOI: 10.22096/LAW.2020.115027.1548

چکیده

رعایت اصل احترام به حاکمیت اراده اشخاص، آثار متعددی را در روابط خصوصی میان آنان چه در عرصه داخلی و چه بین‌المللی به وجود آورده است. یکی از آثار مهم این اصل، معتبر دانستن توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه در عرصه حقوق بین‌الملل خصوصی است. این امر هم در قوانین ملی برخی کشورها و هم برخی اسناد بین‌المللی به صراحت بیان شده است. با این وجود، به رسمیت شناختن چنین توافقی اثری را هم برای طرفین توافق‌نامه و هم دادگاه‌های کشورها به دنبال دارد. این پژوهش درصدد تعیین آثار چنین توافق‌نامه‌ای است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی و با بررسی برخی مقررات ملی کشورها، به‌ویژه ایران و اسناد بین‌المللی مرتبط نشان می‌دهد پذیرش توافقات انحصاری انتخاب دادگاه هم دارای آثار منفی و هم مثبت برای طرفین توافق و دادگاه‌هاست. اثر منفی توافق یادشده سلب صلاحیت از دادگاه یک کشور و اثر مثبت آن اعطای صلاحیت به دادگاه کشوری دیگر است. واژگان کلیدی: حاکمیت اراده؛ صلاحیت انحصاری؛ کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه؛ دادگاه صالح؛ توافق‌نامه انتخاب دادگاه.

* کارشناس ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران.

Email: Kabry.mo@mail.um.ac.ir

** استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران. «نویسنده مسئول»

Email: aansari@um.ac.ir



مقدمه

امروزه حاکمیت اراده اشخاص در تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی خصوصی بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار است و در معاهدات متعدد دو یا چندجانبه و قوانین ملی بسیاری از کشورها، در راستای احترام به حاکمیت اراده، توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه یا توافق‌نامه‌های صلاحیت به رسمیت شناخته شده‌اند.^۱ در مجموعه مقررات ایران تنها ماده ۹۷۱ قانون مدنی مرتبط با مسئله صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌هاست. این ماده مقرر می‌دارد: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.» گرچه ماده یادشده به رد ایراد امر مطروحه در دعاوی بین‌المللی که در صلاحیت دادگاه‌های ایران است اشاره می‌نماید، اما هیچ ضابطه‌ای در تعیین موارد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران ارائه نمی‌دهد.

از این رو، در مواجهه با تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران، قاضی ایرانی ناچار است به قواعد صلاحیت نسبی (قواعد صلاحیت محلی داخلی) رجوع نماید و این قواعد را برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران اعمال نماید. بدیهی است با توجه به فقدان قواعد خاصی در خصوص صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، قانون‌گذار ایرانی درباره امکان پذیرش توافق انتخاب دادگاه توسط دادگاه‌های ایرانی تعیین تکلیف ننموده است. با این وجود، برخی آرای صادره از محاکم ایران نشان می‌دهد که دادگاه‌های ایران اصولاً توافق بر سلب صلاحیت از خود به نفع دادگاه خارجی را می‌پذیرند. در ادامه و در بخش مجزایی از مقاله به این آرا اشاره خواهد شد؛ با این همه آراء یاد شده حاکی از حرکت رویه قضایی ایران به سوی پذیرش این گونه توافق‌هاست. با فرض پذیرش چنین توافقاتی، اکنون زمان آن است که آثار توافق مزبور واکاوی شود. از این رو، این مقاله به بررسی آثار توافق صلاحیت می‌پردازد؛ بخش نخست به اعتبار توافق صلاحیت در

۱. نک: از جمله این موارد عبارت‌اند از: اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، ۲۰۰۴؛ کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ راجع به توافق‌های انتخاب دادگاه، ۲۰۰۵؛ مقررات بروکسل یک ۲۰۰۱/۴۴؛ مقررات بروکسل یک جدید ۲۰۱۲/۲۱۱۵؛ قانون بین‌الملل خصوصی ایتالیا مصوب ۱۹۹۵؛ قانون بین‌الملل خصوصی سوئیس مصوب ۱۹۸۷؛ قانون آیین دادرسی و بین‌الملل خصوصی ترکیه مصوب ۲۰۰۷ و قانون بین‌الملل خصوصی تونس مصوب ۱۹۹۵.

آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی ایران... / مجد کابری و دیگران ۱۴۱

رویه قضایی ایران می‌پردازد. بخش دوم و سوم نیز به ترتیب به تبیین مفهوم توافق انتخاب دادگاه و انواع آن (انحصاری و غیر انحصاری) اختصاص دارد. از آنجاکه اصولاً توافق غیرانحصاری انتخاب دادگاه مانع از طرح دعوا در دادگاه غیر منتخب نمی‌شود، بخش بعدی مقاله تنها به بررسی آثار توافق انحصاری دادگاه می‌پردازد. توافق انحصاری دادگاه هم آثار مثبت و هم منفی ایجاد می‌کند. این آثار هم مرتبط با طرفین توافق و هم دادگاه‌هاست. از این رو در ادامه، ضمن تفکیک آثار مثبت و منفی، آثار یادشده از منظر طرفین توافق و دادگاه‌ها جداگانه بررسی می‌گردد. ضمن اینکه در بررسی این آثار بند جداگانه‌ای هم به رویکرد کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ به عنوان یک سند بین‌المللی مهم در این زمینه اختصاص می‌یابد. در پایان نتیجه مطالب مطرح شده ارائه می‌گردد.

۱. اعتبار توافق انتخاب دادگاه خارجی در رویه قضایی ایران

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد در حقوق ایران قواعد خاصی در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران وضع نشده است. با لحاظ عدم توجه به موضوع صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق ایران بدیهی است که در زمینه امکان توافق بر سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور خارجی ابهام وجود دارد؛ باین وجود به نظر می‌رسد امروزه رویه قضایی ایران از رویه بین‌المللی تبعیت نموده و برخی آرای صادرشده از دادگاه‌های ایران، حاکمیت اراده اشخاص در تعیین دادگاه صالح را به رسمیت شناخته است و در نتیجه توافق اطراف برای سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه ایران به نفع دادگاه کشور خارجی را ممکن دانسته است؛ برای نمونه می‌توان به رأی صادره در دادنامه شماره ۹۱۰۱۰۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ صادره از شعبه سه دادگاه عمومی حقوقی تهران اشاره نمود. در این رأی، دادگاه بدوی با توجه به اینکه طرفین قرارداد در صورت بروز اختلاف منحصراً دادگاه‌های آلمان را صالح به رسیدگی دانسته بودند و با توجه به احترام به حاکمیت اراده طرفین قرارداد، ایراد خواننده مبنی بر عدم صلاحیت دادگاه ایرانی برای رسیدگی به دعوا را پذیرفت. حکم یادشده در تاریخ ۹۲/۰۷/۰۶ با شماره دادنامه ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۴۰۰۸۹۲ توسط دادگاه تجدیدنظر تأیید شد.^۱ رأی قابل‌توجه دیگر در این خصوص، رأی شماره ۹۱۰۱۱۸۹ مورخ ۹۱/۱۱/۰۸ صادره

۱. برای مطالعه متن این رأی، نک: پیری، ۱۳۹۵: ۴۶.

از شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران و تأیید آن در تاریخ ۳۰/۰۲/۹۲ توسط شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان با شماره دادنامه ۲۴۸۰۰۳۰۲۲۰۳۰۹۹۷۰۹۲ است. در این رأی، دادگاه بدوی با توجه به اصل حاکمیت اراده و اینکه دعوای مزبور واجد عنصر خارجی بوده و در نتیجه یک دعوای بین‌المللی است و از سوی دیگر، با توجه به اینکه «تمسک به قوانین ملی نباید مخالف با نظم نوین بین‌المللی باشد» توافق طرفین قرارداد بر اعطای صلاحیت رسیدگی به دادگاه برلین را صحیح دانسته و قرار رد دعوا صادر نمود. دادگاه تجدیدنظر نیز رأی را فاقد ایراد دانسته و آن را تأیید نمود.^۱

یکی دیگر از آرا، رأی صادره از شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران در دادنامه شماره ۷۶۵۰۰۷۶۲۰۲۲۷۲۰۹۹۷۰۹۴ مورخ ۰۲/۰۹/۱۳۹۴ است. در این رأی نیز مشابه آرای پیش‌گفته، دادگاه با توجه به اینکه اصل حاکمیت اراده به‌عنوان یک اصل حقوقی مورد پذیرش است و همچنین دعوای مطروحه یک دعوای بین‌المللی بوده و موضوع آن راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران نیست، توافق بر سلب صلاحیت از دادگاه ایرانی به نفع دادگاه‌های انگلستان را معتبر دانسته و قرار عدم استماع دعوا صادر نمود. البته رأی یادشده به دلیل عدم تجدیدنظرخواهی در موعد مقرر قانونی قطعی شد.^۲

جدیدترین رأی صادره که در این زمینه مشاهده گردید، رأی صادره در دادنامه شماره ۳۳۷۰۰۳۳۹۰۰۱۶۲۱۶۳۹۰۹۹۷۲۱۶ مورخ ۰۷/۰۳/۱۳۹۸ صادره از شعبه ۲۱۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتاح تهران است. دعوای یادشده مرتبط با مطالبه خسارت توسط خواهان به دلیل عدم اجرای تعهدات قراردادی توسط خواننده در موعد مقرر بود. خواننده بدون ورود در ماهیت دعوا با استناد به اینکه در قرارداد مزبور، طرفین بر صلاحیت دادگاه‌های پاریس در رسیدگی به دعوا توافق نموده‌اند به صلاحیت دادگاه ایرانی ایراد نمود. دادگاه اعلام داشت که با توجه به اینکه یکی از طرفین قرارداد، خارجی بوده و لذا دعوای مزبور بین‌المللی است و همچنین با عنایت به اینکه امروزه نظم عمومی بین‌المللی، اراده طرفین در تعیین دادگاه صالح در

۱. برای مطالعه متن این رأی، نک: مقصودی، ۱۳۹۴: ۶۱.

۲. برای مطالعه متن این رأی، نک: پیری، ۱۳۹۵: ۳۹-۴۹.

آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی ایران... / مجد کابری و دیگران ۱۴۳

دعاوی بین المللی را به عنوان یک اصل حقوقی پذیرفته است؛ بنابراین توافق یادشده معتبر بوده و در نتیجه قرار رد دعوا صادر نمود.

آراء یادشده نشان می دهند که امروزه رویه قضایی ایران در راستای تحولات بین المللی در زمینه احترام به حاکمیت اراده در تعیین دادگاه صالح گام برداشته است.

۲. مفهوم توافق انتخاب دادگاه

امروزه طرفین قرارداد قدرت قابل توجهی برای انتخاب دادگاه صالح دارند، آن ها پیش از بروز اختلاف می توانند شرط صلاحیت یا توافق انتخاب دادگاه منعقد کنند. این امر ممکن است به دلایل مختلفی باشد. طرفین قرارداد ممکن است رسیدگی به اختلاف خود را در دادگاه کشور خاصی به دلیل موقعیت جغرافیایی آن یا نظام دادرسی حاکم بر سیستم قضایی آن کشور برای خود مناسب تر بدانند. با تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از قرارداد، آن ها اطمینان بیشتری در روابط قراردادی خود خواهند داشت. همچنین، خطر بروز اختلاف در دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی کاهش یافته و از بروز دادرسی موازی به یک دعوی در دو دادگاه صالح جلوگیری می شود.^۲

توافق انتخاب دادگاه ممکن است به طور صریح منعقد شود؛ برای نمونه ممکن است طرفین یک قرارداد در چهارچوب یک شرط قراردادی، دادگاهی را به عنوان دادگاه منتخب برای رسیدگی به اختلافات احتمالی ناشی از قرارداد تعیین نمایند یا در چهارچوب یک توافق جداگانه و مستقل از قرارداد اصلی بر صلاحیت دادگاهی برای رسیدگی به اختلافات خود تراضی نمایند. توافق انتخاب دادگاه ممکن است به طور ضمنی نیز محقق شود؛ برای نمونه خواهان دعوی را در دادگاه کشوری که در اصل صالح به رسیدگی نیست (دادگاه محل اقامت خوانده، محل انعقاد قرارداد، محل اجرای قرارداد و... نبوده است) مطرح کند و خوانده بدون اعتراض به صلاحیت دادگاه وارد ماهیت دعوی شده و از خود دفاع نماید. در هر دو صورت (توافق صریح یا ضمنی)، توافق یادشده ماهیت قراردادی دارد.

1. Choice of Court Agreement.

2. See: Clermont, 2015: 645.

در هر صورت نباید از موضوع و اثر این توافق غافل بود. اثر چنین توافقی، اعطای صلاحیت به یک دادگاه و در نتیجه سلب صلاحیت از دادگاهی دیگر است؛ به عبارت دیگر گرچه توافق یادشده ماهیت قراردادی دارد، اما تغییراتی در قواعد صلاحیت دادگاه منتخب و دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده است، ایجاد می‌کند؛ بنابراین توافق انتخاب دادگاه نه تنها به مصالح خصوصی اشخاص ربط دارد، بلکه با قواعد صلاحیت دادگاه‌ها مرتبط بوده و تغییراتی در آن ایجاد می‌کند؛^۱ بنابراین می‌توان گفت توافق انتخاب دادگاه، ماهیتی قراردادی-قضایی دارد.

توافق انتخاب دادگاه خواه به طور مستقل منعقد شده و خواه به صورت یک شرط قراردادی در قرارداد درج شده باشد، باید به عنوان شرطی مستقل از دیگر شروط قراردادی تلقی گردد. از این رو، چنانچه توافق یادشده به صورت شرطی ضمن قرارداد اصلی درج شود، بطلان قرارداد اصلی صدمه‌ای به اعتبار شرط توافق صلاحیت وارد نمی‌کند. دلیل این امر نه تنها قیاس با شرط داوری،^۲ بلکه به این دلیل است که با پذیرش استقلال توافق صلاحیت^۳، هدف طرفین از درج این شرط یا توافق محقق می‌گردد و دادگاه منتخب می‌تواند به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی کند.^۴ در همین راستا در مقررات بروکسل یک جدید ۲۰۱۲/۱۲۱۵ اتحادیه اروپا راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای آرا در مسائل مدنی و تجاری^۵ بر استقلال شرط صلاحیت تأکید شده است. بند ۵ ماده ۲۵ مقررات مزبور بیان داشته است: «توافق انتخاب دادگاه که بخشی از قرارداد است، به عنوان قراردادی مستقل از دیگر شرایط قرارداد محسوب می‌شود. این امکان وجود ندارد که صرفاً با استناد به اینکه قرارداد معتبر نیست، به اعتبار موافقت‌نامه

۱. نک: حداد، ۲۰۱۰: ۹۵۷؛ خالد، ۲۰۰۰: ۲۷۸؛ سلامه، ۲۰۰۰: ۱۳۹ و منزلاوی، ۲۰۰۸: ۱۷۱-۱۷۲.

۲. امروزه اصل استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی در حقوق کشورهای دنیا به رسمیت شناخته شده است؛ برای نمونه در ماده ۱۱ قانون داوری سوریه مصوب ۲۰۰۸ بر اصل استقلال شرط داوری صراحتاً تأکید شده است. در حقوق ایران نیز در بند یک ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ این اصل با صراحت بیان شده است. بخش هفتم قانون داوری انگلستان مصوب ۱۹۹۶ نیز بر این استقلال تأکید نموده است. همچنین بند یک ماده ۱۶ قانون داوری نمونه آنسیترال ۱۹۸۵ با اصلاحات ۲۰۰۶ بر استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی تأکید نموده است.

3. Separability of Jurisdiction Agreement.

۴. نک: سلامه، ۲۰۰۰: ۱۴۳.

5. The Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters ('Brussels I Recast').

آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی ایران... / مجد کابری و دیگران ۱۴۵

صلاحیت، ایراد نمود.) البته مشابه چنین مقرره‌ای در کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸^۱ و مقررات بروکسل یک ۲۰۰۱/۲۴^۲ که در اتحادیه اروپا حاکم بودند، مشاهده نمی‌شود. در هر صورت، به باور برخی صاحب‌نظران، حکم یادشده در مقررات بروکسل یک جدید ۲۰۱۲/۱۲۱۵ تأیید رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا^۳ و حقوق انگلستان است.^۴

همچنین کنوانسیون لاهه راجع به توافق‌های انتخاب دادگاه ۲۰۰۵^۵ که میان مکزیک، سنگاپور، مونتنگرو، انگلستان و کشورهای عضو اتحادیه اروپا لازم‌الاجراست در بند (د) ماده ۳ بر اصل استقلال شرط صلاحیت از قرارداد اصلی تأکید نموده است. در این بند آمده است: «توافق انحصاری انتخاب دادگاه که در ضمن قرارداد درج شده است، به عنوان توافقی مستقل از دیگر شروط قرارداد محسوب می‌شود، این امکان وجود ندارد که با استناد به اینکه قرارداد معتبر نیست، به اعتبار توافق انحصاری انتخاب دادگاه لطمه وارد نمود.» نتیجه استقلال شرط انتخاب دادگاه این است که چنانکه اعتبار و صحت قرارداد مبنای صلاحیت، محل تردید باشد، دادگاه منتخب می‌تواند با استناد به استقلال شرط انتخاب دادگاه به اختلافات طرفین رسیدگی کند؛ بنابراین بطلان و بی‌اعتباری قرارداد اصلی، الزاماً به معنای بطلان شرط صلاحیت دادگاه نخواهد بود.^۶ در نتیجه می‌توان گفت امروزه اصل استقلال توافق انتخاب دادگاه از قرارداد اصلی همانند اصل استقلال توافق داور از قرارداد اصلی پذیرفته شده و غیرقابل خدشه است؛ بنابراین بطلان یا فسخ یا خاتمه مدت قرارداد اصلی به بطلان یا فسخ یا خاتمه توافق انتخاب دادگاه منجر نخواهد شد.^۷

پس از تبیین مفهوم توافق انتخاب دادگاه و تبیین استقلال آن و به‌منظور بیان آثار توافق بر صلاحیت، ضروری است تا انواع توافق یادشده از یکدیگر تفکیک شوند. در ادامه انواع توافق انتخاب دادگاه بررسی می‌شود.

1. Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters 1968.
2. Council Regulation (EC) No 44/2001 of 22 December 2000 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters ('Brussels I').
3. The European Court of Justice (ECJ).
4. See: Briggs, 2015: 161.
5. Convention on Choice of Court Agreements, 2005.

۶. نک: مافی و ادبی فیروزجایی، ۱۳۹۳: ۵۷.

۷. نک: شایگان، ۱۳۹۷: ۵۲.

۳. انواع توافق انتخاب دادگاه

اساساً توافق انتخاب دادگاه به دو نوع «توافق انحصاری انتخاب دادگاه»^۱ و «توافق غیر انحصاری انتخاب دادگاه»^۲ تقسیم می‌شود.

توافق انحصاری انتخاب دادگاه، توافقی است که در آن طرفین توافق، دادگاه معینی را برای حل و فصل اختلافاتی که به وجود آمده یا هنوز به وجود نیامده است در مورد یک رابطه حقوقی معین، تعیین می‌کنند و بر اساس چنین تعیینی، از هر دادگاه دیگری برای رسیدگی به دعوی موضوع توافق، سلب صلاحیت می‌شود؛^۳ برای نمونه در چنین توافقی درج می‌شود: «هر اختلافی ناشی از قرارداد، منحصراً توسط دادگاه‌های چین حل و فصل خواهد شد.»

توافق غیر انحصاری انتخاب دادگاه توافقی است که در آن طرفین توافق، دادگاه معینی را برای حل و فصل اختلافاتی که به وجود آمده یا هنوز به وجود نیامده است در مورد یک رابطه حقوقی معین، تعیین می‌کنند. طرفین در چنین توافقی، صلاحیت را به دادگاه خاصی می‌بخشند، ولی توافق یادشده طرفین را از طرح دعوی در دادگاه صالح دیگری منع نمی‌کند؛^۴ برای نمونه در چنین توافقی درج می‌شود: «افزون بر هر دادگاه صلاحیت‌دار دیگری، هر اختلاف ناشی از قرارداد می‌تواند در دادگاه‌های آلمان نیز مطرح گردد.»

کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ راجع به توافق‌های انتخاب دادگاه، در مورد توافق‌های انحصاری انتخاب دادگاه اعمال می‌شود و ماده یک کنوانسیون یادشده بر این امر تأکید کرده است.^۵ طبق بندهای الف و ب ماده ۳ کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵، توافق انتخاب دادگاه که طرفین در آن

1. Exclusive Choice of Court Agreement.

2. Non- Exclusive Choice of Court Agreement.

3. See: Tang, 2014: 8.

4. See: Tang, 2014: 8.

۵. ماده یک کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ مقرر می‌دارد: «۱. این کنوانسیون نسبت به توافق‌نامه‌های انحصاری انتخاب دادگاه که

در امور مدنی و تجاری و در موقعیت‌های بین‌المللی منعقد می‌شود، اعمال می‌گردد. ...»

۶. «الف: توافق انحصاری انتخاب دادگاه) توافقی است که بین دو یا چند طرف و با رعایت الزامات درج‌شده در بند ج

منعقد می‌گردد و در آن دادگاه‌های یکی از کشورهای عضو کنوانسیون و یا یکی یا چند دادگاه معین از یکی از کشورهای

عضو کنوانسیون را به‌منظور رسیدگی به اختلافات موجود یا آتی مربوط به رابطه حقوقی معین تعیین می‌کند ←

آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی ایران... / مجد کابری و دیگران ۱۴۷

دادگاه‌های یک کشور متعاهد را تعیین می‌کنند و یا یک دادگاه معین و یا بیش از یک دادگاه معین از دادگاه‌های یک کشور متعاهد را تعیین می‌کنند، توافق انحصاری برشمرده می‌شود، مگر اینکه طرفین خلاف آن را تصریح کرده باشند.^۱

گزارش تفسیری کنوانسیون یادشده نیز مطابق تعریف توافق انحصاری صلاحیت که در ماده ۳ کنوانسیون درج شده است، برای هرکدام از توافقات‌های انحصاری و غیر انحصاری انتخاب دادگاه مثال‌های متعددی آورده است تا تمایز میان این دو نوع توافق انتخاب دادگاه را به روشنی نشان دهد. مطابق این گزارش، دو مثال شرط توافق انحصاری صلاحیت به قرار ذیل است:

الف. «طبق این قرارداد دادگاه‌های کشور (ب) صلاحیت رسیدگی به دعوی خواهد داشت» یا

ب. «طبق این قرارداد، به دعوی باید در دادگاه‌های کشور (ب) رسیدگی شود.»

چهار مثال برای توافق غیر انحصاری صلاحیت این گونه است:

الف. «طبق این قرارداد، دادگاه‌های کشور (ب) دارای صلاحیت غیر انحصاری برای رسیدگی

به دعوی می‌باشند»؛

ب. «طبق این قرارداد رسیدگی به دعوی می‌تواند در دادگاه‌های کشور (ب) صورت گیرد،

ولی این توافق، مانع از اقامه دعوی در دادگاه‌های کشوری دیگر که طبق قانون خود را صالح

می‌داند، نیست»؛

ج. «طبق این قرارداد، دعوی می‌تواند در دادگاه (الف) کشور (ب) یا دادگاه (ج) کشور (د)

با سلب صلاحیت از دادگاه‌های دیگر، مطرح گردد» یا

د. «دعوی علیه طرف (الف) می‌تواند منحصراً در اقامتگاه (الف) در کشور (الف) مطرح

گردد و دعوی علیه طرف (ب) می‌تواند منحصراً در اقامتگاه (ب) در کشور (ب) مطرح گردد.»^۲

→ و به این ترتیب، صلاحیت دیگر دادگاه‌ها را نفی می‌کند؛ ب. هر موافقت‌نامه انتخاب دادگاه که به موجب آن دادگاه‌های

یکی از کشورهای متعاهد یا یک یا چند دادگاه معین از یکی از کشورهای متعاهد را تعیین می‌کند، در حکم موافقت‌نامه

انحصاری انتخاب دادگاه است، مگر اینکه طرفین صراحتاً خلاف آن توافق نمایند.»

1. See: Keyes, 2015: 351.

2. See: Hartley & Dogauchi, 2007: 108-109.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت کنوانسیون لاهه، صرف استقرار دادگاه‌های منتخب در دو کشور را منجر به تشکیل توافق غیر انحصاری انتخاب دادگاه می‌داند. تعریفی که کنوانسیون در ماده سه از توافق انحصاری انتخاب دادگاه ارائه کرده و نیز مثال‌هایی که گزارش تفسیری کنوانسیون از توافق غیر انحصاری انتخاب دادگاه ارائه کرده است این نتیجه را تأیید می‌نماید. از آنجا که توافق غیر انحصاری انتخاب دادگاه، طرفین را از اقامه دعوی در دادگاه غیر منتخب منع نمی‌نماید این پژوهش تنها به بررسی آثار توافق انحصاری انتخاب دادگاه می‌پردازد.

۴. آثار توافق انحصاری انتخاب دادگاه

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، توافق انحصاری انتخاب دادگاه منجر به این می‌شود که صلاحیت رسیدگی به دعوی به یک دادگاه بخشیده شود و در نتیجه صلاحیت رسیدگی به دعوی از دادگاهی دیگر سلب گردد. پس آثار اصلی توافق انحصاری انتخاب دادگاه عبارت است از: سلب صلاحیت از یک دادگاه (اثر منفی توافق انتخاب دادگاه) و اعطای صلاحیت به دادگاه دیگر (اثر مثبت توافق انتخاب دادگاه). در ادامه دو اثر یادشده بررسی می‌گردند.

۱.۴. اثر مثبت توافق انحصاری انتخاب دادگاه (اعطای صلاحیت به دادگاه منتخب)

توافق انتخاب دادگاه هم نسبت به طرفین توافق و هم نسبت به دادگاه منتخب، اثر مثبت دارد. در این مبحث، ابتدا اثر مثبت توافق انتخاب دادگاه نسبت به طرفین توافق و نیز نسبت به دادگاه منتخب واکاوی می‌شود و سپس اثر مثبت توافق انتخاب دادگاه در کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۱.۴. اثر مثبت توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به طرفین توافق

منظور از اثر مثبت توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به طرفین این است که طرفین بر مبنای توافق انتخاب دادگاه تعهد می‌کنند که در صورت بروز اختلاف، دعوی خود را در دادگاه منتخب مطرح کنند؛ بنابراین هنگامی که اختلاف میان آن‌ها بروز نماید، مطابق اصل لزوم قراردادهای طرفین باید به تعهد خود عمل کنند و دعوی خود را در دادگاه منتخب مطرح کنند.

۲.۱.۴. اثر مثبت توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به دادگاه منتخب

منظور از اثر مثبت توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به دادگاه منتخب این است که دادگاه منتخب باید به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه، رسیدگی کند. در این باره دو احتمال وجود دارد: یا دادگاه منتخب در اصل، دادگاه صالح بوده و طرفین آن را انتخاب کرده‌اند برای اینکه دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه منحصراً توسط این دادگاه حل و فصل گردد و دیگر دادگاه‌ها که احتمالاً طبق قواعد صلاحیتی کشور خود صالح به رسیدگی به دعوا هستند از رسیدگی خودداری نمایند. در این فرض هیچ مشکلی رخ نمی‌دهد؛ چراکه دادگاه منتخب مطابق قواعد صلاحیتی خود، صالح است و طرفین هیچ نقشی در ایجاد صلاحیت برای دادگاه منتخب ایفا نکرده‌اند، بلکه دادگاه مطابق قانون کشورش، خود را صالح به رسیدگی می‌داند. احتمال دوم این است که دادگاه منتخب در اصل، صالح نبوده و توافق طرفین برای آن دادگاه صلاحیت ایجاد کرده است. در این فرض این پرسش مطرح می‌شود که آیا چنین دادگاهی ملزم است به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی نماید؟

در پاسخ باید گفت چنانچه دادگاه منتخب در اصل، صلاحیت دار نباشد، در صورتی که قانون کشور دادگاه، چنین توافقی (توافق بر صلاحیت دادگاه) را معتبر بداند و توافق یادشده شرایط صحت تشکیل این گونه توافقات را دارا باشد^۱، باید به دعوی یادشده رسیدگی کند. باین وجود، باید توجه داشت که درست است که دادگاه توافق یادشده را اعمال می‌کند و به دعوی رسیدگی می‌کند، اما این به آن معنا نیست که دادگاه تابع اراده اشخاص در این خصوص شده، بلکه دادگاه مطابق اراده قانون‌گذار کشور خود عمل نموده است. قانون‌گذار کشور دادگاه با وضع قوانین ملی یا انعقاد معاهدات مرتبط مانند کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵، حاکمیت اراده اشخاص را به عنوان مبنای صلاحیت دادگاه‌ها پذیرفته است؛ بنابراین وقتی دادگاه به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی می‌کند، اراده و اوامر قانون‌گذار خود را اعمال می‌نماید.^۲

۱. برای مطالعه شرایط صحت انعقاد توافق صلاحیت، نک: کابری و انصاری، ۱۳۹۸: ۲۲۵-۲۵۵.

۲. نک: الروبی، ۲۰۰۸: ۱۹۱.

۳.۱.۴. اثر مثبت توافق انحصاری انتخاب دادگاه مطابق کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵

کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ به عنوان یک کنوانسیون بین‌المللی که به موضوع توافق صلاحیت پرداخته تعهداتی را بر کشورهای عضو تحمیل می‌نماید. از این رو، کنوانسیون یادشده بر اثر مثبت توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به دادگاه‌های کشور عضو منتخب تأکید کرده و به اثر مثبت توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به طرفین توافق توجهی نداشته است. ماده ۵ کنوانسیون تحت عنوان صلاحیت دادگاه منتخب اعلام می‌دارد: «۱. دادگاه یا دادگاه‌های یکی از کشورهای متعاهد که به موجب موافقت‌نامه انحصاری انتخاب دادگاه تعیین می‌شود، صلاحیت برای رسیدگی به دعوی موضوع توافق خواهد داشت، مگر اینکه طبق قانون دادگاه کشور عضو منتخب، موافقت‌نامه یادشده باطل باشد؛ ۲. دادگاه منتخب طبق بند ۱ این ماده نمی‌تواند به علت اینکه دادگاه کشوری دیگر باید به دعوی رسیدگی کند، از خود نفی صلاحیت نماید...»^۱

در گزارش تفسیری کنوانسیون لاهه آمده است که چنانچه دادگاه منتخب به دعوی رسیدگی نکند، توافق انتخاب دادگاه بی‌اعتبار و فاقد ارزش خواهد بود. به همین دلیل بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون برای اعطای اثربخشی بیشتر به توافق انتخاب دادگاه مقرر کرده است که دادگاه منتخب طبق موافقت‌نامه انحصاری انتخاب دادگاه، برای رسیدگی به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه صلاحیت خواهد داشت، مگر اینکه توافق انتخاب دادگاه طبق قانون کشور دادگاه منتخب، باطل و بلااثر باشد؛ بنابراین بطلان توافق، تنها استثنایی است که با تحقق آن دادگاه منتخب اجازه دارد به دعوی رسیدگی نکند. این بطلان، مطابق قانون کشور دادگاه منتخب مشخص می‌شود. همچنین منظور از بطلان مندرج در بند ۱ ماده ۵، بطلان مرتبط با مسائل ماهوی و نه مسائل شکلی است. مسائلی مانند تقلب^۲، اشتباه^۳، تدلیس^۴، اجبار یا اکراه^۵ و نقص اهلیت^۶ از مصادیق بطلان مندرج در این ماده است.

1. Fraud.
2. Mistake.
3. Misrepresentation.
4. Duress.
5. Lack of Capacity.
6. See: Hartley & Dogauchi, 2007: 124-126.

آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی ایران... / مجد کابری و دیگران ۱۵۱

در خصوص مسائل شکلی، دادگاه کشور عضو منتخب نسبت به اعتبار و صحت توافق انتخاب دادگاه از حیث الزامات شکلی، نه بر اساس قوانین داخلی خود، بلکه مطابق بند ج ماده ۳ کنوانسیون^۱ رسیدگی می کند؛ زیرا کنوانسیون در ماده یادشده احکامی درباره الزامات شکلی توافق انتخاب دادگاه مقرر کرده است که باید رعایت شود.

برای تضمین اثربخشی توافق انتخاب دادگاه در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون، بیان شده است که دادگاه منتخب نمی تواند به دلیل اینکه دعوی باید در دادگاه کشور دیگری رسیدگی شود از رسیدگی به آن خودداری کند. در واقع، هدف از بند دوم ماده یادشده تأکید بر اثر مثبت توافق انتخاب دادگاه است. همچنین طبق گزارش تفسیری کنوانسیون لاهه هدف از بند دو این است که دادگاه منتخب را از اعمال دکترین دادگاه نامناسب^۲ و دکترین ایراد امر مطروحه^۳ و در نتیجه خودداری از رسیدگی به دعوی به نفع دادگاه کشوری دیگر ممنوع کند.^۴

۲.۴. اثر منفی توافق انحصاری انتخاب دادگاه (سلب صلاحیت از دادگاه های غیر منتخب)
اثر منفی توافق انحصاری انتخاب دادگاه، نتیجه بدیهی و منطقی اثر مثبت آن است؛ به عبارت دیگر توافق اشخاص برای اعطای صلاحیت به دادگاه منتخب، مستلزم آن است که طرفین توافق دعوای خود را تنها در دادگاه منتخب مطرح کنند و از طرح دعوی در دادگاه غیر منتخب خودداری کنند.

توافق انتخاب دادگاه دارای اثر منفی نسبت به طرفین توافق و نسبت به دادگاه غیر منتخب است. در این مطلب، اثر منفی توافق انتخاب دادگاه نسبت به طرفین توافق و نسبت به دادگاه غیر منتخب به طور مجزا بررسی می شود و سپس اثر منفی توافق انتخاب دادگاه در مقررات کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ مورد توجه قرار می گیرد.

۱. نک: بند ج ماده ۳ کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ چنین مقرر می دارد: «یک موافقت نامه انحصاری انتخاب دادگاه باید به صورت

مکتوب یا به هر شیوه ارتباطی دیگر که به وسیله آن دسترسی بعدی به اطلاعات ممکن باشد، منعقد یا تنظیم گردد.»

2. The Doctrine of Forum Non-Conveniens.

3. The Doctrine of Lis Pendens.

4. See: Hartley & Dogauchi, 2007: 134.

۱.۲.۴. اثر منفی توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به طرفین توافق

در توافق انحصاری انتخاب دادگاه، طرفین تعهد می‌کنند که به‌هیچ‌وجه به دادگاهی غیر منتخب برای طرح دعوی رجوع نکنند. مطابق اصل لزوم تعهدات و قراردادهای، طرفین توافق باید به تعهدات خود عمل کنند و توافق انتخاب دادگاه را تقض نمایند و در نتیجه، دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه را در غیر از دادگاه منتخب مطرح نکنند.^۱ توافق انتخاب دادگاه ممکن است به نفع یکی از طرفین قرارداد منعقد گردد و نیز ممکن است به نفع هر دو طرف منعقد شود. از این رو، در نقض توافق انتخاب دادگاه باید میان این دو فرض را تفکیک نمود: در فرض نخست، یعنی در فرضی که توافق انتخاب دادگاه به نفع یکی از طرفین قرارداد منعقد می‌شود، طرفی که توافق انتخاب دادگاه به نفع وی منعقد شده است، می‌تواند از توافق یادشده عدول کند و دعوای خود را در یک دادگاه غیر منتخب مطرح نماید؛ ولی طرف مقابل نمی‌تواند از توافق انتخاب دادگاه عدول کند، مگر با رضایت ذی نفع. باین وجود، در فرضی که توافق انتخاب دادگاه به نفع هر دو طرف منعقد شود، هیچ‌کدام از طرفین، طبق اصل لزوم تعهدات و قراردادهای نمی‌تواند از توافق انتخاب دادگاه عدول نماید و دعوای خود را در دادگاه غیر منتخب مطرح نماید، مگر اینکه آنها به‌طور صریح یا ضمنی، خلاف توافق انتخاب دادگاه تراضی نمایند.^۲

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چنانچه یکی از طرفین، توافق انتخاب دادگاه را نقض کرده و دعوای موضوع توافق را در یک دادگاه صالح غیر منتخب مطرح نماید و طرف مقابل به صلاحیت دادگاه ایراد کند، این ایراد چه ماهیتی دارد؟

هدف یکی از طرفین توافق انتخاب دادگاه از طرح چنین ایرادی این است که دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوا دارد، اما منتخب طرفین توافق نبوده، به دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی نکند؛ بنابراین مستند وی برای طرح ایراد، وجود توافق انتخاب دادگاه است. استناد به وجود توافق انتخاب دادگاه به این معناست که یک مانع موقتی برای رسیدگی دادگاه یادشده وجود دارد و اگر این مانع از بین برود، نمی‌توان به رسیدگی دادگاه ایراد نمود.

۱. نک: الروبی، ۲۰۰۸: ۱۷۱.

۲. نک: الروبی، ۲۰۰۸: ۱۷۱.

دلیل اینکه توافق انتخاب دادگاه مانع موقتی برای رسیدگی دادگاه غیر منتخب محسوب می‌شود این است که طرفین می‌توانند از توافق انتخاب دادگاه عدول نمایند، در این صورت مانع رسیدگی دادگاه از بین می‌رود. همچنین، چنانچه دادگاه منتخب به دعوی رسیدگی ننماید، در این صورت مانع رسیدگی دادگاه غیر منتخب به دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه از بین می‌رود و می‌تواند به دعوایی که موضوع توافق انتخاب دادگاه بوده، رسیدگی نماید.^۱ در هر صورت، این ایراد ماهیت ویژه‌ای دارد و در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران که موارد ایرادات را برشمرده، پیش‌بینی نشده است. ایراد یادشده ایراد عدم صلاحیت دادگاه نیست؛ چراکه خود دادگاه صلاحیت‌دار است.^۲ همچنین ایراد ماهوی محسوب نمی‌شود و هدف آن تنها منع دادگاه از رسیدگی به دعوی به علت وجود توافق انتخاب دادگاه است. با توجه به ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران می‌توان گفت که این ایراد از جمله ایراداتی است که در رسیدگی به دعوی مانع موقتی ایجاد می‌نمایند. در واقع، منظور از ایراداتی که در رسیدگی به دعوی مانع موقتی ایجاد می‌نمایند، ایراداتی است که در صورت منتفی شدن سبب ایراد، همین دعوا دوباره قابل طرح و رسیدگی است؛ بنابراین می‌توان گفت منظور از مانع موقت، مانعی است که می‌تواند برطرف شود و اقامه دوباره دعوی در صورت از بین رفتن مانع، قابل پذیرش است. ایراد عدم اهلیت و ایراد عدم احراز سمت موضوع بند ۳ و ۵ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران از این دسته ایرادات هستند.^۳ در نتیجه، می‌توان مقرر نمود چنانچه یکی از طرفین توافق انتخاب دادگاه، توافق یادشده را نقض کرده و دعوای خود را به جای دادگاه منتخب در دادگاه دیگری مطرح نماید، طرف دیگر می‌تواند به رسیدگی آن دادگاه به علت وجود مانع موقتی ایراد نماید.

۱. نک: الروبی، ۲۰۰۸: ۱۷۳.

۲. به نظر می‌رسد که همین راه حل در داوری نیز صدق می‌کند؛ به این معنا که چنانچه یکی از طرفین توافق داوری، توافق یادشده را نقض نماید و دعوای موضوع توافق داوری در دادگاه مطرح نماید و طرف مقابل به رسیدگی دادگاه دولتی ایراد کند، در این صورت نمی‌توان گفت که ایراد مزبور، ایراد به عدم صلاحیت دادگاه است؛ زیرا دادگاه صالح است و توافق داوری دادگاه صالح را تبدیل به دادگاه غیر صالح نمی‌کند و تنها به عنوان مانع موقتی دادگاه را از رسیدگی به دعوای موضوع توافق داوری منع می‌نماید.

۳. نک: شمس، ۱۳۹۶: ۳ / ۲۵.

۲.۲.۴. اثر منفی توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به دادگاه غیر منتخب

منظور از اثر منفی توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به دادگاه غیر منتخب این است که در صورت معتبر دانستن چنین توافقی توسط دادگاه غیر منتخب، این توافق به خودداری دادگاه مذکور از رسیدگی می انجامد؛ یعنی در صورتی که یکی از طرفین توافق انتخاب دادگاه، توافق یادشده را نقض کند و دعوای خود را در دادگاه غیر منتخب مطرح نماید و طرف مقابل به رسیدگی دادگاه مزبور ایراد کند، در این صورت پذیرفتن ایراد مزبور به این بستگی دارد که قانون کشور دادگاهی که دعوی برخلاف توافق انتخاب دادگاه در آن مطرح شده، توافق برای سلب صلاحیت دادگاه‌های خود را معتبر بداند یا خیر. چنانچه مطابق قوانین این کشور یا مفاد معاهداتی که به آن‌ها پیوسته، توافق برای سلب صلاحیت دادگاه‌های این کشور قابل قبول باشد، در این صورت دادگاهی که دعوی برخلاف توافق انتخاب دادگاه در آن مطرح شده، همان‌طور که قبلاً گفته شد، باید طبق اراده و اوامر قانون‌گذار خود عمل نموده و ایراد یادشده را بپذیرد. شایان‌ذکر است که دادگاه پیش از اینکه این ایراد را بپذیرد و قرار مقتضی صادر کند باید مطمئن گردد که دادگاه منتخب به دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی خواهد کرد. هدف از این شرط این است که طرفین توافق انتخاب دادگاه با فرض انکار عدالت^۱ مواجه نشوند.^۲ با این توضیح که چنانچه طرفین، دادگاهی برای رسیدگی به دعوای خود پیدا نکنند، عدالت محقق نمی‌گردد. برای حصول اطمینان از صلاحیت دادگاه منتخب و امکان رسیدگی آن به دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه طبق ماده ۹۷۱ قانون مدنی موظف است به قانون کشور آن دادگاه رجوع نماید؛^۳ بنابراین می‌توان گفت برای اینکه طرفین با فرض انکار عدالت مواجه نشوند، صلاحیت دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده پابرجا می‌ماند و هرگز به‌طور کامل از بین نمی‌رود تا چنانچه به هر علتی دادگاه منتخب به دعوای رسیدگی ننماید، دادگاهی که در اصل صلاحیت دار است به دعوای مورد توافق رسیدگی کند.^۴ این شرط مهم در حقوق

1. Denial Justice.

۲. نک: سلامه، ۲۰۰۰: ۱۶۴.

۳. نک: خدابخشی؛ انصاری و کابری، ۱۳۹۷: ۳۵۵.

۴. نک: سلامه، ۲۰۰۰: ۱۶۴.

آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی ایران... / مجد کابری و دیگران ۱۵۵

برخی کشورها صراحتاً بیان شده است. بند ۳ ماده ۴ قانون بین الملل خصوصی ایتالیا مصوب ۱۹۹۵ مقرر می‌دارد: «۳. چنانچه دادگاه یا داوران مورد توافق، صلاحیت را نپذیرند یا قادر بر استماع دعوی نباشند، سلب صلاحیت بلا اثر خواهد شد.»

در بند ۱ ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی و بین الملل خصوصی ترکیه مصوب ۲۰۰۷ نیز آمده است که چنانچه دادگاه خارجی، عدم صلاحیت خود را برای رسیدگی به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه اعلام نماید، دادگاه صلاحیت دار ترکیه، برای رسیدگی به دعوی یادشده صلاحیت خواهد داشت. همچنین، همان‌طور که در استثنائات اثر منفی توافق انحصاری انتخاب دادگاه بیان خواهد شد، در بند ۶ ماده ۶ کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ نیز به این مسئله اشاره شده است.

در نتیجه، دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده، پس از اینکه مطمئن شد شرایط صحت توافق انتخاب دادگاه در توافق مورد نظر محقق است و دادگاه منتخب نیز به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه، رسیدگی خواهد کرد، می‌تواند رأی صادر کند مبنی بر اینکه به علت توافق طرفین بر صلاحیت دادگاهی دیگر، این دادگاه به دعوی موضوع توافق رسیدگی نخواهد کرد. اکنون پرسش مهم این است: رأی که دادگاه در این موارد صادر می‌کند چه ماهیتی دارد؟

شکی نیست که با توجه به ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران که بیان می‌دارد: «چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به‌طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود» و از آنجا که رأی که دادگاه در این مورد صادر می‌کند صرفاً راجع به امکان رسیدگی به دعواست و ارتباطی به ماهیت دعوا ندارد رأی دادگاه از نوع قرار است. قرارهایی که از دادگاه صادر می‌شوند به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته نخست قرارهایی هستند که مقدمه‌ای برای رسیدگی به ماهیت دعوی می‌باشند؛ مانند قرار استماع گواهی گواهان، قرار صحت و اصالت سند، قرار اتیان سوگند، قرار معاینه محل، قرار تحقیق محلی و قرار ابراز سند که به قرارهای اعدادی یا مقدماتی معروف‌اند.^۳ دسته دوم قرارهایی هستند که موجب خروج پرونده از جریان رسیدگی در دادگاه صادرکننده می‌شوند که قرار رد دعوی، قرار سقوط دعوی،

1. Reform of the Italian System of Private International Law (Law of 31 May 1995, No 218).

2. Act on Private International and Procedural Law (2007/ No. 5718).

۳. نک: مهاجری، ۱۳۸۷: ۳ / ۶۶.

قرار ابطال دادخواست و قرار عدم صلاحیت از این دسته‌اند. این دسته از قرارها، قرارهای نهایی هستند و دادگاه مستقلاً حق عدول از آنها را ندارد؛ ولی در قرارهای مقدماتی دادگاه می‌تواند با استدلال از آنها عدول نماید.^۱ از آنجاکه قرار صادره از دادگاه در پذیرفتن سلب صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی باعث می‌شود پرونده از دادگاه رسیدگی کننده خارج شود، از این روی به نظر می‌رسد این قرار در دسته دوم قرارها جای می‌گیرد. به این ترتیب، قرار صادره از دادگاه در این زمینه از جمله قرارهای نهایی و قاطع دعوی است. اما پرسش مهم این است که قرار یادشده جزء کدامیک از انواع قرارهای دسته دوم است؟

ممکن است به نظر رسد قرار مزبور، قرار عدم صلاحیت است. این نظر صحیح نیست؛ چراکه در این حالت گرچه دادگاه صالح به رسیدگی است، اما مطابق قانون خود که توافق انتخاب دادگاه را معتبر دانسته، سلب صلاحیت توسط طرفین قرارداد را پذیرفته است. دادگاه یادشده صالح است، اما منتخب طرفین نیست.^۲ همچنین، باید توجه داشت که دادگاه در این حالت با معترضی مواجه است که به توافق سلب صلاحیت از این دادگاه استناد می‌کند و آن را می‌پذیرد. این بدان معناست که دادگاه صلاحیت دارد، وگرنه پذیرش سلب صلاحیت معنا ندارد و اگر صلاحیت دار نبوده است اصلاً نمی‌توان تصور نمود که دادگاه چنین ایرادی را بپذیرد و قراری در این زمینه صادر نماید. این وضعیت در حقوق کشورهای رومی-ژرمنی همانند فرانسه و ایران صدق می‌کند؛ زیرا این کشورها ضوابطی برای تعیین صلاحیت دادگاه‌های خود وضع کرده‌اند. در این کشورها دادگاه بر پایه ضوابط یادشده، یا خود را صالح می‌داند و یا خود را صالح نمی‌داند و چنانچه صالح نداند به دعوی رسیدگی نمی‌کند و بنابراین در این حالت هرگز طرف دعوی به علت وجود توافق انتخاب دادگاه به صلاحیت این دادگاه ایراد نخواهد نمود. از این رو، می‌توان استنباط کرد که با صرف بررسی ایراد یادشده توسط دادگاه، فرض می‌شود که خود دادگاه صلاحیت دار است و در نتیجه نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت خود را صادر نماید.^۳

۱. نک: مهاجری، ۱۳۸۷: ۳/۶۶.

۲. نک: صادق، ۲۰۱۴: ۶۸.

۳. نک: صادق، ۲۰۱۴: ۶۸.

البته این وضعیت در حقوق کشورهای کامن لو مشاهده نمی‌شود. در این گونه موارد، قرار صادره از دادگاه‌های کشورهای کامن لویی بر دکتترین دادگاه نامناسب استوار است؛ بنابراین در این کشورها چنانچه دادگاه خود را دادگاه مناسب برای رسیدگی به دعوی بداند قرار به صلاحیت خود صادر و در فرض مخالف، قرار به عدم صلاحیت خود صادر می‌نماید.^۱ در نتیجه، در کشورهای کامن لویی همانند انگلستان و ایالات متحده آمریکا چنانچه یکی از طرفین دعوا به رسیدگی دادگاه‌های این کشورها به علت وجود توافق انتخاب دادگاه ایراد نماید، دادگاه بدون در نظر گرفتن توافق انتخاب دادگاه بررسی می‌کند که دادگاه مناسب برای رسیدگی به دعوی محسوب می‌شود یا خیر. در صورت پاسخ منفی، قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند. با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که قرار صادره توسط دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده است در کشورهای حقوق نوشته همانند ایران قرار عدم صلاحیت نخواهد بود.

به نظر می‌رسد که در تعیین ماهیت قرار صادره در این موارد می‌توان دو دیدگاه ارائه نمود: دیدگاه نخست اینکه، از آنجاکه در هنگام بررسی ماهیت ایراد طرف دعوی به رسیدگی دادگاه به علت وجود توافق انتخاب دادگاه بیان شد که این ایراد از جمله ایراداتی است که در رسیدگی به دعوی مانع موقتی ایجاد می‌کند، همانند ایراد عدم اهلیت و عدم احراز سمت موضوع بند ۳ و ۵ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی و از آنجاکه طبق ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی در این موارد دادگاه قرار رد دعوی صادر می‌کند؛ بنابراین منطق اقتضا می‌کند که قرار صادره از دادگاه برای پذیرش سلب صلاحیت خود به نفع دادگاه کشور دیگری «قرار رد دعوا» باشد.

بر پایه دیدگاه دوم، از آنجاکه ایراد طرف توافق انتخاب دادگاه به رسیدگی دادگاه به علت وجود توافق انتخاب دادگاه از جمله ایرادات پیش‌بینی شده در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیست و همچنین از آنجاکه در هیچ‌یک از مواد قانون آیین دادرسی مدنی ایران موارد صدور قرار «عدم استماع دعوی» پیش‌بینی نشده است،^۲ می‌توان گفت که قرار صادره از دادگاه برای پذیرش سلب صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی، قرار «عدم استماع دعوی» است. البته برخی

۱. نک: صادق، ۲۰۱۴: ۶۹.

۲. نک: شمس، ۱۳۹۶: ۱۲۷/۳.

حقوقدانان^۱ معتقدند که هیچ تفاوتی میان آثار قرار رد دعوا و قرار عدم استماع دعوی وجود ندارد و صدور هر یک به جای دیگری لطمه‌ای به حقوق اصحاب دعوی وارد نمی‌نماید. به‌رحال، از آنجاکه قانون‌گذار ایران مشخص نکرده است در چه مواردی قرار عدم استماع دعوی صادر می‌شود، صدور قرار عدم استماع دعوی بیشتر قابل توجیه است.

با نگاهی به رویه قضایی ایران در این زمینه مشاهده می‌شود که دادگاه‌های ایران در مورد پذیرش سلب صلاحیت خود به نفع دادگاه‌های خارجی، گاهی قرار رد دعوی و گاهی قرار عدم استماع دعوی صادر نموده‌اند؛ برای نمونه در دادنامه شماره ۹۱۰۱۰۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران در این موضوع قرار رد دعوی صادر شده است؛ در حالی که در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۰۷۶۵ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲ شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران قرار عدم استماع دعوی صادره گردیده است.

۳.۲.۴. اثر منفی توافق انحصاری انتخاب دادگاه مطابق کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ و استثنائات آن از آنجاکه کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ به‌عنوان یک کنوانسیون بین‌المللی، تعهداتی را بر کشورهای عضو تحمیل می‌نماید، بنابراین این کنوانسیون بر اثر منفی توافق انحصاری انتخاب دادگاه نسبت به دادگاه‌های کشور عضو غیر منتخب تأکید کرده و به اثر منفی آن نسبت به طرفین توافق توجهی نداشته است. ماده ۶ کنوانسیون مزبور تحت عنوان «تعهدات دادگاه غیر منتخب»^۲ مقرر داشته است: «هرگاه دعوی موضوع توافق انحصاری انتخاب دادگاه در دادگاه یکی از کشورهای عضو کنوانسیون، به‌غیر از دادگاه منتخب مطرح گردد، دادگاه مزبور باید رسیدگی به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه را متوقف کند یا کلاً از رسیدگی به آن خودداری نماید، مگر اینکه: الف. توافق انتخاب دادگاه طبق قانون کشور دادگاه منتخب، باطل باشد؛ ب. مطابق قانون دادگاهی که دعوی در آن اقامه شده است، یکی از طرفین فاقد اهلیت برای انعقاد توافق انتخاب دادگاه باشد؛ ج. ترتیب اثر دادن به توافق انتخاب دادگاه به بی‌عدالتی آشکار منجر شود یا به‌طور آشکار مغایر با نظم عمومی کشوری که دعوی در دادگاه آن اقامه شده است، باشد؛ د. به دلایل

۱. نک: شمس، ۱۳۹۶: ۱۲۸ / ۳.

2. Obligations of a Court not Chosen.

آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی ایران... / مجد کابری و دیگران ۱۵۹

استثنایی و خارج از کنترل طرفین، اجرای توافق به طور منطقی میسر و مقدور نباشد؛ ه. دادگاه منتخب تصمیم به عدم استماع دعوی گرفته باشد.»

طبق ماده ۶ کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ چنانچه همان دعوی موضوع توافق انحصاری انتخاب دادگاه در دادگاه‌های کشورهای عضو کنوانسیون (غیر از کشور دادگاه منتخب) مطرح شود، دادگاه‌های یادشده مکلف هستند رسیدگی به دعوی موضوع توافق انحصاری انتخاب دادگاه را متوقف نمایند یا کلاً از رسیدگی به آن خودداری کنند؛ اگرچه دادگاه‌های غیر منتخب مطابق قانون خود صلاحیت رسیدگی به دعوی یادشده را داشته باشند. هدف از الزام دادگاه‌های غیر منتخب به این تعهد این است که توافق انحصاری انتخاب دادگاه مورد احترام قرار گیرد. مطابق ماده ۶ کنوانسیون لاهه، توافق انحصاری انتخاب دادگاه اثر منفی دارد، به این ترتیب دادگاه غیر منتخب ممنوع است که به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی کند و باید رسیدگی به دعوی موضوع توافق انحصاری انتخاب دادگاه را توقیف نماید یا کلاً از رسیدگی به آن خودداری کند، اما این ماده مطلق نبوده و متضمن استثنائاتی است که در صورت تحقق یکی از آن‌ها، دادگاه کشور عضو غیر منتخب، به‌رغم وجود توافق انتخاب دادگاه می‌تواند به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی کند. در ادامه استثنائات مزبور با تکیه بر گزارش تفسیری کنوانسیون لاهه واکاوی می‌گردد.

الف. بطلان توافق انتخاب دادگاه مطابق قانون کشور دادگاه منتخب

این استثناء به‌نوعی مرتبط با حکم مقرر در بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون است. در بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون، فرضی مطرح شده که دعوا در دادگاه منتخب مطرح شده است. بر اساس این بند، دادگاه منتخب باید بر اساس قواعد ملی خود در خصوص اعتبار توافق انتخاب دادگاه تصمیم بگیرد. فرض بند الف ماده ۶ کنوانسیون موردی است که دعوا در دادگاه غیر منتخب اقامه شده است. در این فرض نیز کنوانسیون مقرر داشته دادگاه مزبور باید اعتبار توافق انتخاب دادگاه را نه بر اساس قوانین ملی خود، بلکه مطابق قانون کشور دادگاه منتخب بررسی نماید؛ بنابراین کنوانسیون لاهه، قانونی ۱ که بر اساس آن در مورد اعتبار توافق انتخاب دادگاه تصمیم‌گیری می‌شود، تعیین نموده است. چنین وضعی در کنوانسیون نیویورک راجع به شناسایی و اجرای احکام داوری بین‌المللی مورخ ۱۹۵۸ وجود ندارد. در بند ۳ ماده ۲

کنوانسیون نیویورک^۱ تعیین نشده است که مطابق کدام قانون در مورد اعتبار موافقت‌نامه داوری تصمیم‌گیری می‌شود. در کنوانسیون لاهه قانون حاکم بر این مسئله، خواه دعوی در دادگاه کشور عضو منتخب و خواه در دادگاه عضو غیر منتخب مطرح گردد، قانون کشور دادگاه منتخب است. این امر سبب می‌شود دادگاه منتخب و دادگاهی که دعوی در آن مطرح شده است احکام یکسانی در مورد اعتبار توافق انتخاب دادگاه صادر کنند.^۲

ب. عدم اهلیت طرفین توافق انتخاب دادگاه مطابق قانون کشور دادگاه غیر منتخب این استثنا را می‌توان از موارد و صور استثنای اول به شمار آورد؛ با این توضیح که نقص یا عدم اهلیت طرفین توافق نیز از موارد بطلان یا بی‌اعتباری توافق انتخاب دادگاه است. در همین راستا، برخی حقوق‌دانان^۳ ذکر چنین استثنایی را لازم نمی‌دانند. درعین حال، با توجه به گزارش تفسیری کنوانسیون لاهه به نظر می‌رسد دلیل ذکر این بند به نحو مجزایی از بند اول این است که کنوانسیون در این مورد، قانون حاکم بر اهلیت را قانون کشور دادگاه غیر منتخب می‌داند؛ درحالی‌که همان‌گونه که بیان شد در استثنای اول قانون حاکم بر مسئله اعتبار توافق انتخاب دادگاه، قانون کشور دادگاه منتخب است.^۴ شایان‌ذکر است که منظور از کلمه قانون در این مورد، مجموعه قوانین موجود در نظام حقوقی کشور دادگاه غیر منتخب است و شامل قواعد تعارض قوانین این کشور نیز می‌باشد.^۵

ج. بروز بی‌عدالتی آشکار یا مغایرت با نظم عمومی کشور دادگاه غیر منتخب طبق بند ج ماده ۶ کنوانسیون لاهه، چنانچه ترتیب اثر به توافق انتخاب دادگاه به بی‌عدالتی آشکار^۶ بینجامد یا به‌طور آشکار مغایر با نظم عمومی کشور دادگاه غیر منتخب باشد، دادگاه غیر منتخب

۱. بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری بین‌المللی ۱۹۵۸ مقرر می‌دارد: «... هرگاه دعوی در دادگاه‌های هر یک از کشورهای متعاقد مطرح باشد که طرفین درباره موضوع اصلی آن دعوی موافقت‌نامه داوری به مفهوم مقرر در این ماده داشته باشند، دادگاه بنا به تقاضای احد طرفین دعوی را به داوری احاله خواهد نمود، مگر در مواردی که بنا به تشخیص دادگاه موافقت‌نامه داوری باطل یا فاقد اثر و یا فاقد شرایط لازم برای اجرا باشد.»

2. See: Hartley & Dogauchi, 2007: 149.

۳. نک: الروبی، ۲۰۰۸: ۱۸۲.

4. See: Hartley, and Dogauchi, 2007: 150.

5. See: Brand and Herrup, 2008: 90.

6. Manifest injustice.

توافق انتخاب دادگاه را نادیده می‌گیرد و به دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی می‌کند. شایان ذکر است که منظور از بی‌عدالتی آشکار مواردی مانند عدم محاکمه عادلانه و منصفانه به دلیل تعصب یا فساد در سیستم قضایی کشور منتخب است^۱ باید افزود که مطابق مقررات کنوانسیون، مغایرت توافق انتخاب دادگاه با نظم عمومی باید آشکار و غیر قابل مناقشه باشد، به نحوی که نتوان در وجود این مغایرت تردید جدی مطرح نمود. به هر حال، کنوانسیون لاهه معیاری برای احراز بی‌عدالتی ارائه نداده و تشخیص موضوع را به دادگاه غیر منتخب واگذار کرده است.^۲

د. عدم امکان اجرای توافق انتخاب دادگاه به طور متعارف به دلایل استثنایی و خارج از کنترل طرفین توافق این استثنا در موردی اعمال می‌شود که به دلایلی خارج از اراده طرفین، اجرای توافق انتخاب دادگاه به طور منطقی و متعارف میسر و مقدور نباشد^۳ و اقامه دعوی در کشور دادگاه منتخب ممکن نباشد. البته این به معنای محال بودن اقامه دعوی در آن کشور نیست. برای اعمال این بند، وضعیت استثنایی مانند جنگ یا انحلال دادگاه یا تغییر اساسی در ساختار دادگاه‌ها، به نحوی که نتوان آن را دادگاه منتخب دانست باید وجود داشته باشد^۴ برخی حقوقدانان^۵ چنین استثنایی را امری منطقی دانسته‌اند؛ چون عدم امکان اجرای توافق انتخاب دادگاه مربوط به طرفین توافق نبوده و خارج از اراده آن‌هاست. ایشان معتقدند چنین حالتی شبیه موردی است که اصلاً توافق انتخاب دادگاه منعقد نشده است.

هـ. عدم استماع دعوی توسط دادگاه منتخب

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، هدف از ذکر این استثنا، جلوگیری از فرض انکار عدالت است. مطابق این استثنا چنانچه دادگاه منتخب به هر علتی به دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی ننماید و قرار عدم استماع دعوی یا رد دعوی صادر کند، دادگاه غیر منتخب برای جلوگیری از انکار عدالت به دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی می‌نماید.^۶

1. See: Hartley & Dogauchi, 2007: para 151-152.

۲. نک: شایگان، ۱۳۹۷: ۵۸.

3. See: Brand & Herrup, 2008: 94.

4. See: Hartley & Dogauchi, 2007: 154.

۵. نک: الروبی، ۲۰۰۸: ۱۷۷.

6. See: Hartley & Dogauchi, 2007: 155.

نتیجه گیری

توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه در عرصه داخلی و بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردارند؛ گرچه قانون‌گذار ایرانی برخلاف برخی قانون‌گذاران دیگر، صراحتاً در خصوص اعتبار چنین توافق‌هایی موضع‌گیری ننموده یا به معاهدات بین‌المللی مرتبط در این خصوص نپیوسته است، اما رویه قضایی ایران نشان می‌دهد که قضات ایرانی با استناد به دلایل مختلف از جمله احترام به حاکمیت اراده و وجود ماده ۱۰ قانون مدنی ایران، چنین توافقاتی را در حوزه روابط خصوصی بین‌المللی معتبر می‌دانند. در حال، توافقات یادشده، به‌ویژه از نوع توافق‌های انحصاری، آثاری مثبت و منفی هم برای طرفین توافق و هم دادگاه‌های ملی دارند. اعطای حق اقامه دعوا در دادگاه منتخب و عدم رسیدگی به دعوای موضوع توافق توسط دادگاه‌های غیر منتخب از مهم‌ترین آثار این توافق هستند که تقریباً در مقررات ملی تمامی کشورهای که قواعدی در این زمینه وضع نموده‌اند و مقررات و معاهدات مرتبط مشاهده می‌شوند. با این وجود، همان‌گونه که در برخی معاهدات مقرر شده، لزوم وضع استثنائاتی در اثر منفی توافق انحصاری صلاحیت نسبت به دادگاه‌ها ضروری است تا در این موارد دادگاه غیر منتخب به‌رغم وجود توافق‌نامه انحصاری صلاحیت بتواند به دعوا رسیدگی کند. با توجه به وجود اختلاف در خصوص استثنائات یادشده، به قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد می‌شود که نه تنها صراحتاً در خصوص اعتبار توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه موضع‌گیری کند، بلکه در صورت پذیرش آن، آثار این نوع توافق را با صراحت و با لحاظ استثنائات لازم ذکر نماید تا در آینده از صدور آرای متعارض در این زمینه جلوگیری شود.

کتابنامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

- پیری، فرهاد (۱۳۹۵)، حقوق تجارت بین المللی در رویه قضایی ایران، چاپ اول، تهران: جاودانه، جنگل.
- خدابخشی، عبدالله؛ اعظم انصاری و محمد مجد کابری (۱۳۹۷)، «شرایط اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و مصر»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۳۴۹-۳۷۲.
- شایگان، اسماعیل (۱۳۹۷)، شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین المللی خصوصی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۶)، آیین دادرسی مدنی - دوره بنیادین، چاپ چهل و هفتم، تهران: دراک.
- کابری، محمد مجد و اعظم انصاری (۱۳۹۸)، «شرایط اساسی توافق صلاحیت در حقوق بین الملل خصوصی»، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۲۲۵-۲۵۵.
- مافی، همایون و رشید ادبی فیروزجایی (۱۳۹۳)، «صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین الملل خصوصی»، دانش حقوق مدنی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۴۸-۶۳.
- مقصودی، رضا (۱۳۹۴)، «توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین المللی: توجیه و نقد رویه قضایی»، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، دوره ۴، شماره ۱۱، صص ۵۹-۷۱.
- مهاجری، علی (۱۳۸۷)، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران: فکرسازان.

الف-۲: عربی

- حداد، حفیظه (۲۰۱۰)، النظرية العامة في القانون القضائي الخاص الدولي، چاپ اول، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقية.
- خالد، هشام (۲۰۰۰)، قواعد الاختصاص القضائي الدولي و تعلقها بالنظام العام، چاپ اول، الاسكندرية: منشورات منشأة المعارف.

- الروبى، محمد (٢٠٠٨)، دور الارادة فى تحديد الاختصاص القضائى الدولى، چاپ اول، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربية.
- سلامة، احمد عبدالكريم (٢٠٠٠)، فقه المرافعات المدنية الدولية، چاپ اول، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربية.
- منزلوى، صالح جاد (٢٠٠٨)، الاختصاص القضائى بالمنازعات الخاصة الدولية و الاعتراف و التنفيذ الدولى للاحكام الاجنبية، چاپ اول، الاسكندرية: منشورات دارالجامعة الجديدة.

الف-٣: لاتين

- Brand, Ronald & Paul Herrup (2008). *The 2005 Hague Convention on Choice of Court Agreements commentary and documents*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Briggs, Adrian (2015). *Civil Jurisdiction and Judgments*, 6th Edition, NEWYORK: Routledge.
- Clermont, Kevin M (2015). "Governing Law on Forum-Selection Agreements", *Hastings Law Journal*, Issue 3, Vol. 66, pp. 643-673.
- Hartley, Trevor & Masato Dogauchi (2007). *Explanatory Report on the 2005 Hague Choice of Court Convention*, Hague: The Permanent Bureau of the Conference.
- Keyes, Mary & Brooke Adele Marshall (2015). "Jurisdiction agreements: exclusive, optional and asymmetric" *Journal of Private International Law*, Vol. 11, No. 3, pp. 345-378.
- Tang, Zheng Sophia (2014). *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law*, 1st Edition, NEWYORK: Routledge.

ب- وبسایت (هاى) اينترنتى

- «مدى حق القضاء المصرى فى التخلّى عن اختصاصه فى المنازعات المدنية و التجارية» (١ خرداد ٩٨)، صادق هشام (٢٠١٤). قابل دسترسى در: <http://cutt.us/uYLI>